

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه

سطح ۲

درس ۳۰

استاد: حجت الاسلام والمسلمین امینی  
آموزشیار: آقای جمالی

در درس گذشته به شرط بودن قصد قربت در روزه و نیز مفطرات روزه مانند؛ خوردن، آشامیدن، جماع، جنب شدن، بقاء بر جنابت دروغ بستن به خدا و پیامبر و ائمه علیهم السلام، رساندن غبار به حلق و... اشاره شد و در ادامه مستندات لزوم قصد قربت و نیز ادله مفطر بودن خوردن و آشامیدن، مطرح شد. در این درس مصنف وارد بیان ادله و مستندات برخی دیگر از مفطرات روزه مانند فرو دادن اخلاط سر و سینه و جماع، شده و در پایان به ذکر مستندات در مباحث احتلام و جنب شدن غیر اختیاری می‌پردازد.

## متن عربى

٥. و اما عدم جواز ابتلاع ما وصل الى الفم من الرأس او الصدر فلصدق الاكل او الشرب عليه؛ و اما مع عدم وصوله اليه فلا يصدق عليه ذلك و لا اقل من الشك فتجرى البراءة.

٦. و اما جواز الإبرة و القطرة، فلعدم صدق الاكل و الشرب عليهما فتجرى البراءة عن حرمتها.

٧. و اما جواز ابتلاع البصاق، فلانصراف اطلاقات النهى عن الاكل و الشرب عن مثل ذلك، و يؤكد ذلك سيرة المتشرعة الجارية عليه، بل قد يقال بلزوم الحرج من عدم ذلك، و هو منفي فى الشريعة لقوله تعالى: «ما جعل عليكم فى الدين من حرج»<sup>١</sup>

٨. و اما مفطرية الجماع، فلقوله تعالى: «أَحْلَلْ كُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثِ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ...»<sup>٢</sup> و صحيحة ابن مسلم المتقدمه و غيرها.

٩. و اما التعميم من الجهتين، فلإطلاق ما سبق.

١٠. و اما وجوب القضاء على الشاك فى الدخول او بلوغ مقدار الحشفة، فلقصده ارتكاب المفطر و هو موجب للقضاء كما ياتى تحت عنوان «احكام عامة للصوم».

و اما عدم وجوب الكفارة فلأصالة عدم تحقق موجبها.

١١. و اما مفطرية انزال المنى، فلصحيح عبد الرحمن بن الحجاج: «سألت ابا عبد الله عليه السلام عن الرجل يعبث بأهله فى شهر رمضان حتى يمنى، قال: عليه من الكفارة مثل ما على الذى يجامع»<sup>٣</sup> و غيره، فإن وجوب الكفارة يدل بالالتزام على المفطرية و وجوب القضاء.

و هو و ان اختص بالعبث بالأهل الا انه يمكن التعدى منه الى سائر الأسباب بالأولوية.

١٢. و اما انه لا شىء اذا نزل بلا قصد فلان المفطر هو الفعل الاختيارى، اذ بعد قصور المقتضى يتمسك فى غيره بالبراءة.

و منه يتضح عدم مفطرية الاحتلام. على انه ورد فى صحيحة عبد الله بن ميمون عن ابي عبد الله عليه السلام: «ثلاثة لا يفطرن الصائم: القىء و الاحتلام و الحجامة....»<sup>٤</sup>

كما يتضح أن المحتلم يجوز له فى النهار الاستبراء و ان علم بوجود بقايا المنى فى المجرى، فان نزوله من نتائج الاحتلام السابق الذى حكم بأنه لا يفطر الصائم.

١. الحج. / ٧٨

٢. بقره / ١٨٧

٣. وسائل الشيعة: باب ٤ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ١.

٤. وسائل الشيعة: باب ٣٥ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ١.

## فرو دادن اخلاط سر

بحث در ادله حکم بلعیدن و فرو دادن اخلاط سر است اخلاط سر و سینه بر دو گونه است: اول، در صورتی که به فضای دهان<sup>۱</sup> رسیده باشد بلعیدن آن جایز نیست. و مستند این حکم آن است که بلعیدن آن در این صورت، عنوان اکل و شرب محسوب می‌شود.

دوم، در صورتی که به فضای دهان نرسیده باشد برگرداندن آن، مبطل روزه نیست. و مستند این حکم آن است که در این صورت مصداق اکل و شرب محسوب نمی‌شود. و حداقل، آن است که نسبت به مفطرت آن شک می‌شود و شک در اصل حکم مجرای اصل براءت است.

### علت جواز استفاده از آمپول و قطره گوش

استفاده از آمپول و قطره گوش یا چشم برای شخص روزه دار جایز است<sup>۲</sup>، زیرا عنوان خوردن و آشامیدن بر آن صدق نمی‌کند، در نتیجه با شک در حرمت آن‌ها، اصالة البرائة جاری شده و حکم به عدم حرمت آن‌ها می‌شود.

### علت جواز فرو بردن بزاق دهان

فرو بردن بزاقی که در دهان جمع شده است اشکالی ندارد و جایز است؛ زیرا اولاً، ادله حرمت اکل و شرب شامل این مورد نمی‌شود.

ثانیاً، سیره متشرعه بر این است که آب دهان را در هنگام روزه فرو می‌برند.<sup>۳</sup>

ثالثاً، اگر فرو بردن آب دهان موجب بطلان روزه باشد لازم‌اش عسر و حرج برای مکلف خواهد بود، در حالی که در دین اسلام عسر و حرج از مکلف برداشته شده است و دلیل عدم عسر و حرج در اسلام آیه قرآن است که می‌فرماید: «ما جعل علیکم فی الدین من حرج»<sup>۴</sup>.

۱. انصراف اطلاقات نهی از خوردن و آشامیدن.

۲. سیره متشرعه.

۳. اعسار و حرج بودن مفطرت.

ادله عدم مفطرت فرو بردن آب دهان روزه دار

### تطبیق

۵. و اما عدم جواز ابتلاع ما وصل الی الفم من الرأس أو الصدر فلصدق الأکل أو الشرب علیه؛ و اما مع عدم وصوله الیه فلا یصدق علیه ذلک و لا اقل من الشک فتجری البراءة

۱. مرز فضای دهان، مخرج حرف «خاء» است.

۲. استفاده از آمپول بر دو گونه است گاهی جنبه دارویی دارد و گاهی جنبه غذایی دارد برخی از فقها برآنند که تزریق آمپولی که به جای غذا به کار می‌رود جایز نیست، ولی تزریق آمپولی که عضو را بی حس می‌کند یا به جای دارو استعمال می‌شود اشکال ندارد.

۳. این دلیل به عنوان تاکید مطلب ذکر شده است.

۴. حج / ۷۸

۵. عدم جواز فرو بردن اخلاطی که از سر و سینه به فضای دهان می‌رسد، به دلیل این است که خوردن بر آن صدق می‌کند اما اخلاطی که به فضای دهان نرسیده مصداق اکل و شرب نبوده و حداقل صحت اطلاق مشکوک بوده و مجرای براءت است.

۶. و اما جواز الابرة و القطرة، فلعدم صدق الاكل و الشرب عليهما فتجری البراءة عن حرمتها.

جواز استفاده از آمپول و قطره، برای این است که مصداق اکل و شرب محسوب نمی‌شود، پس نسبت به حرام بودن این‌ها بر روزه دار براءت جاری می‌شود.

۷. و اما جواز ابتلاع البصاق، فلانصراف اطلاقات النهی عن الاكل و الشرب عن مثل ذلك، و يؤكد ذلك سيرة المتشرعة الجارية عليه، بل قد يقال بلزوم الحرج من عدم ذلك، و هو منفي في الشريعة لقوله تعالى: «ما جعل عليكم في الدين من حرج»<sup>۱</sup>

جواز فرو بردن آب دهان به این دلیل است که اطلاق ادله نهی کننده از خوردن و آشامیدن، شامل آن نمی‌شود و از این گونه موارد انصراف دارد و سیره جاری در میان متشرعه نیز تاکید بر جواز آن است؛ بلکه گفته شده عدم جواز فرو بردن آب دهان موقع روزه موجب عسر و حرج می‌شود، در حالی که خدای متعال در شریعت عسر و حرج را نفی کرده و فرموده: «برای شما در دین هیچ حرجی قرار نداده است».

Sco۱ : ۶: ۵۰

### مستند مفطر بودن جماع

چنان‌که گذشت یکی از مفطرات روزه جماع است و باید از آن اجتناب شود. دلیل این حکم آیات و روایات است. قرآن کریم در مواردی از جماع در هنگام روزه داری منع کرده است از جمله:

«أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ... حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ...»<sup>۱</sup> آمیزش جنسی با همسرانتان، در شب روزهایی که روزه می‌گیرید، حلال است... تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه (شب) برای شما آشکار گردد! سپس روزه را تا شب، تکمیل کنید...<sup>۲</sup> در این آیه شریفه جواز نزدیکی با همسر در شب ماه رمضان، به طلوع فجر صادق، مقید شده است. در روایات نیز روزه دار از جماع منع شده است، از جمله روایت سابق از محمد بن مسلم که فرمود: از امام صادق علیه السلام شنیدم که طعام و شراب و نساء و ارتماس در آب موجب ضرر به روزه است و در هنگام روزه بایستی از آن اجتناب شود. روایات دیگری نیز بر مفطر بودن جماع دلالت می‌کند.

۱. حج / ۷۸

۲. بقره: ۱۸۷

## مستند اطلاق حکم جماع

گفته شد که مفطرت جماع شامل همه انواع آن می‌شود چه از قبل باشد و چه از دبر، و نیز فرقی نمی‌کند شخص فاعل باشد یا مفعول، دلیل تعمیم<sup>۱</sup> مسأله اطلاق ادله است، زیرا آیات و روایات درباره مفطرت جماع مطلق آمده و شامل همه موارد و همه انواع آن می‌شود و هیچ قیدی در نوع یا شخص آن مطرح نشده است.

گفتیم اگر کسی در اصل دخول یا دخول به مقدار حشفه شک کند، قضای روزه آن روز بر او واجب است، دلیل این حکم آن است که گرچه نسبت به دخول یا مقدار دخول شک دارد و از این جهت چیزی بر او نیست، اما از آنجا که قصد جماع کرده، در حالی که می‌دانسته جماع موجب بطلان روزه است، موجب می‌شود که قضای روزه بر عهده او بیاید. روزه دار همین که قصد باطل کردن روزه اش را بکند و اراده کند که مبطلات روزه را انجام دهد روزه اش باطل می‌شود، زیرا یکی از شرایط روزه نیت به صورت مداوم و پیوسته است و این تداوم و پیوستگی نیت باید از اذان صبح تا مغرب ادامه داشته باشد. اگر این نیت در زمانی قطع شود، شرط روزه نقض شده و روزه باطل می‌شود.

## دلیل عدم وجوب كفاره بر شاک

وجوب كفاره در صورتی است که صائم یکی از مفطرات را عمداً انجام دهد و مبطل به مرحله فعلیت برسد. در مسأله مورد بحث، مکلف قصد ارتکاب مفطر را کرده، اما به مرحله فعلیت قطعی نرسانده است - یقین ندارد که به مقدار حشفه داخل شده است؛ پس موجب كفاره محقق نشده است و دلیلی بر وجوب كفاره برای او وجود ندارد؛ زیرا اصل، عدم تحقق موجب كفاره است.

## تطبيق

۸. و اما مفطرية الجماع، فلقوله تعالى: «احل لكم ليلة الصيام الرفث الى نسائكم... حتى يتبين لكم الخيط الابيض من الخيط الأسود من الفجر...» و صحیحة ابن مسلم المتقدمه و غيرها.

مبطل بودن جماع در زمان روزه به دلیل قول خدای متعال است که می‌فرماید: برای شما در شب ماه رمضان حلال شد با همسران آمیزش کنید... تا آنکه رشته سپید از رشته سیاه از فجر برایتان آشکار شود آنگاه روزه را تا شب به پایان رسانید» و نیز روایت صحیح محمد بن مسلم و روایات دیگر دلیل بر حکم فوق است.

۹. و اما التعميم من الجهتين، فإلطلاق ما سبق

اما دلیل این که جماع از جهت قبل یا دبر و نیز فاعل بودن یا مفعول بودن، تعمیم داده شده، به واسطه اطلاق ادله‌ای است که سابقاً گذشت.

۱۰. و اما وجوب القضاء على الشاك في الدخول او بلوغ مقدار الحشفة، فلقصد ارتكاب المفطر و هو موجب للقضاء كما ياتي تحت عنوان «احكام عامة للصوم».

۱. در نزد برخی از فقها اطلاق از جهات دیگری نیز مطرح است که جماع با صغیر باشد یا کبیر و نیز جماع با زنده باشد یا با مرده و نیز با انسان باشد یا با حیوان باشد، در همه این موارد موجب بطلان روزه است (الفقه، کتاب الصوم، ص ۱۰۲).

و جوب قضای روزه بر کسی که نسبت به اصل دخول یا داخل شدن به مقدار حشفه شک کرده است به واسطه این است که او نیت و قصد انجام دادن مبطل را کرده است و اراده افطار موجب قضا است چنانکه در آینده ذیل عنوان «احکام عمومی روزه» بیان خواهد شد.

و اما عدم وجوب الکفارة فلاصالة عدم تحقق موجهها.

و اما این که در مورد فوق کفاره واجب نیست به دلیل آن است که طبق اصل، آنچه موجب کفاره است (یعنی فعل مفطر و دخول به قدر حشفه) محقق نشده است.

Sc02: ۱۳: ۳۴

### استدلال بر مفطر بودن انزال منی

خروج منی و جنب شدن انسان به دو صورت محقق می‌شود:

الف) انزال منی: در این صورت، انسان با قصد و اراده و به طور اختیاری کاری انجام می‌دهد که منی از او خارج شده و جنب می‌شود.

ب) نزول منی: در این صورت، به طور ناخودآگاه و بدون قصد و اختیار منی از انسان خارج می‌شود و جنب می‌شود.

در صورت اول روزه باطل می‌شود و مستند بطلان روایاتی است که در این باب وارد شده است، از جمله روایت عبد الرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام، که در باره کسی که در ماه رمضان، مقدمات انزال منی را با همسرش انجام داده و منی از او خارج شده است سؤال می‌کند. امام می‌فرماید: بر اوست که کفاره دهد همانند کفاره کسی که با همسرش جماع کرده است.

و جوب کفاره بر این شخص دلالت التزامی دارد بر این که اولاً، روزه‌اش باطل شده و ثانیاً، قضا نیز بر ذمه او آمده است.

وقتی شخصی با همسر خودش این کار را انجام می‌دهد و کفاره بر ذمه او می‌آید، به طریق اولی ثابت می‌شود که اگر از راه دیگری غیر از همسر شرعی خود، مقدمات انزال را انجام دهد و منی از او خارج شود، مفطر روزه محقق شده و قضا و کفاره بر او واجب می‌شود.

و اما در صورت دوم که منی بدون قصد و اراده از شخص خارج شود. روزه‌اش باطل نشده و قضا و کفاره بر او واجب نمی‌شود. دلیلش آن است که تحقق مبطل روزه، در صورتی است که از روی اراده و اختیار انجام گرفته باشد، اما در این مورد که اختیاری در کار نبوده و در خواب یا به صورت دیدن ناخودآگاه صحنه خاص، منی از او خارج شده، روزه‌اش صحیح است. و ادله بطلان روزه، اقتضای شمول این مورد را ندارد و شامل انزال بدون قصد و اختیار، نمی‌شود؛ و اصل برائت می‌گوید، که روزه‌اش صحیح است<sup>۱</sup>.

<sup>۱</sup> اگر فراموش کند که روزه است و جماع نماید یا او را به جماع مجبور نمایند به طوری که از اختیار او خارج باشد روزه او باطل نمی‌شود، ولی چنانچه در بین جماع یادش بیاید یا دیگر مجبور نباشد، باید فوراً از حال جماع خارج شود و اگر خارج نشود، روزه او باطل است.

سوال: آیا کسی که در خواب محتلم شده است، می‌تواند در زمانی که روزه است استبراء کند؛ هر چند به باقی مانده منی در مجرایش علم دارد؟

جواب: استبراء چون ادامه همان احتلام غیر اختیاری است، موجب بطلان روزه نمی‌شود؛ زیرا نسبت به این حکم روایت صحیح‌های از امام صادق علیه‌السلام نقل شده است که می‌فرمایند: «سه چیز موجب بطلان روزه نمی‌شود قی کردن<sup>۱</sup>، احتلام و حجامت...» پس هنگامی که احتلام موجب بطلان روزه نمی‌شود و باقی مانده منی هم در اثر همین احتلام شکل گرفته است، موجب بطلان روزه نمی‌شود<sup>۲</sup>.  
مستندات برخی از احکام

عدم ابطال روزه با استبراء روزه داری که محتلم شده، صحیح‌ه عبدالله بن میمون است. } دلیل  
مفطرت جماع، آیه قرآن کریم است. }  
عدم مفطرت احتلام } (الف) غیر اختیاری بودن احتلام  
(ب) صحیح‌ه عبد الله بن میمون

### تطبيق

۱۱. و اما مفطرية انزال المنى، فلصحيح عبد الرحمن بن الحجاج: «سالت ابا عبد الله عليه السلام عن الرجل يعبث<sup>۳</sup> باهله في شهر رمضان حتى يمني، قال: عليه من الكفارة مثل ما على الذي يجامع<sup>۴</sup> و غيره، فان وجوب الكفارة يدل بالالتزام على المفطرية و وجوب القضاء.»

۱۱. و اما (دلیل) بطلان روزه برای کسی که خودش را در ماه رمضان جنب می‌کند، روایت صحیح عبد الرحمن بن حجاج است: «از امام صادق علیه‌السلام سوال کردم در باره مردی که در ماه رمضان با همسرش ملاعبه می‌نماید تا این که جنب می‌شود؟ امام فرمود: کفاره برای او همانند کسی که با همسرش جماع می‌کند واجب است.» و غیر این روایت، و همانا وجوب کفاره به دلالت التزام بر مفطر بودن انزال و وجوب قضا دلالت می‌نماید.  
و هو و ان اختص بالعبث بالاهل الا انه يمكن التعدى منه الى سائر الاسباب بالاولوية.

این روایت گرچه به انجام ملاعبه با همسر اختصاص داده شده، اما ممکن است با قیاس اولویت به سایر اسباب - مثلاً با دست خود یا دیگری کاری کند که انزال شود - نیز سرایت داده شود.

۱. در مباحث آینده خواهد آمد که قی کردن در جایی موجب بطلان روزه نمی‌شود که تعدی در کار نباشد، اما اگر عمداً قی کند، فقها معتقدند روزه اش باطل می‌شود.

۲. برخی از فقها در این مورد گفته‌اند که اصل احتلام موجب بطلان روزه نیست، اما این خارج کردن منی از مجرای بول، چون در امر اختیاری ملکف است باعث می‌شود که روزه‌اش باطل شود و قضای آن را روز بر او واجب شود.

۳. العبث بالتحريك: اللعب، يقال عبث لعبث - من باب علم عبثاً بالتحريك -: لعب و عمل ما لا فائدة فيه، كمن ينزف الماء من البحر إلى البحر عبثاً.

و" رَجُلٌ يَعْْبَثُ بِأَهْلِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ " " لَأ تَدَعَنَّ مَيْتَكَ وَحَدَّهُ فَإِنَّ الشَّيْطَانَ يَعْْبَثُ فِي جَوْفِهِ " «مجمع البحرين؛ ج ۲، ص: ۲۵۹».

۴. وسائل الشيعه: باب ۴ من ابواب ما يمسك عنه الصائم، حديث ۱.



۱۲. و اما انه لاشيء اذا نزل بلا قصد فلان المفطر هو الفعل الاختياري، اذ بعد قصور المقتضى يتمسك في غيره بالبراءة. ۱۲ و اما دليل بر اين كه انزال بدون قصد روزه را باطل نمی‌نماید اين است كه مبطل روزه بايد عمل اختياری باشد؛ زیرا در جایی كه شمول ادله، قصور داشته باشد به براءت تمسك می‌شود.

ومنه يتضح عدم مفطرية الاحتلام. على انه ورد في صحيحة عبدالله بن ميمون عن ابي عبدالله عليه السلام: «ثلاثة لا يفطرن الصائم: القيء و الاحتلام و الحجامة...»<sup>۱</sup>

و از اختياری بودن مفطر، روشن می‌شود كه احتلام موجب بطلان روزه نیست. علاوه بر اين كه در صحيحة از عبد الله بن ميمون از امام صادق عليه السلام نقل شده است كه «سه چیز روزه روزه دار را باطل نمی‌کند: استفراغ کردن، احتلام و حجامت».

كما يتضح ان المحتلم يجوز له في النهار الاستبراء و ان علم بوجود بقايا المني في المجري، فان نزوله من نتائج الاحتلام السابق الذي حكم بانه لا يفطر الصائم.

همچنين روشن می‌شود كه جايز است محتلم در روز ماه رمضان استبراء كند، گر چه نسبت به باقی مانده منی در مجرای بول، آگاه باشد؛ زیرا خارج شدن باقی مانده منی از مجرای بول، از آثار و پیامدهای احتلام قبلی است كه موجب بطلان روزه نشده است.

Scor: ۲۸: ۳۰

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة: باب ۳۵ من ابواب ما یمسك عنه الصائم، حدیث ۱.

## چکیده

۱. فرو بردن اخلاط سر و سینه که به فضای دهان رسیده است به این دلیل مفطر روزه است که مصداق خوردن و آشامیدن است.
۲. استفاده از آمپول، قطره گوش و بینی در هنگام روزه اشکالی ندارد؛ زیرا مصداق خوردن و آشامیدن محسوب نمی‌شود.
۳. ادله جواز فرو بردن آب دهان در هنگام روزه، سه چیز است:  
الف) اطلاقات نهی از خوردن و آشامیدن، از این مورد انصراف دارد.  
ب) سیره متشرعه بر عدم بطلان روزه در این مورد بوده است.  
ج) مفطریت فرو بردن آب دهان، موجب عسر و حرج می‌شود.
۴. آیه «أَحَلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصَّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ... حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصَّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ...» دلیل بر این است که جماع، روزه را باطل می‌کند.
۵. کسی که شک در دخول به مقدار حشفه دارد، تنها بر او قضا واجب است؛ زیرا نیت خود را شکسته است اما چون عملی که موجب كفاره شود انجام نداده است بر او كفاره واجب نمی‌شود.
۶. اگر شخص روزه دار بدون اختیار جنب شود، چیزی بر او واجب نمی‌شود؛ زیرا ادله بطلان تنها شامل افعال اختیاری هستند و افعال غیر اختیاری را شامل نمی‌شود.
۷. طبق نظر مصنف، استبراء موجب ابطال روزه روزه داری که بدون اختیار جنب شده است، نیست.